

تأثیر تحولات پیراشهرنشینی بر دگرگونی زمین‌های مستعد زراعی و اهمیت

آن در برنامه‌ریزی و مدیریت حریم مصوب ۱۳۸۵ تهران

تکتم آشنایی^۱

کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران

سید عبدالهادی دانشپور

دانشیار شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران

مظفر صرافى

دانشیار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۱/۱۸

چکیده

همراه با افزایش جمعیت و گسترش شهرنشینی، پدیده‌هایی در قلمروی پیرامون شهرها و پسرانه روستایی‌شان در حال گسترش است که چنین قلمروهایی با ترکیبی از ویژگی‌های شهری و روستایی اغلب به‌عنوان پیراشهر^۲ شناخته می‌شوند. از اثرگذاری شهر و شهرنشینی بر روستا و محیط پیرامونی، تحول فضایی پیراشهرنشینی^۳ شکل می‌گیرد. طی چهل دهه اخیر، روستاهایی پیرامونی کلانشهر تهران نیز در پی برون‌فکنی و جابه‌جایی فضایی جمعیت و فعالیت، دستخوش تغییرات عمده‌ای قرار داشتند، به طوری که با بالاترین تغییرات نرخ رشد جمعیت در منطقه کلانشهری تهران، به نقاط شهری تبدیل می‌شوند. در این گذار پیراشهرنشینی، زمین‌های زراعی با قابلیت تولید مواد غذایی در شرایط عدم کنترل رشد، به زمین‌های شهری و تولیدکننده سرمایه با ارزش افزوده بالاتر تبدیل می‌شود. تحلیل کلاس‌های پوشش گیاهی حاکی از کاهش ۳۵ درصدی زمین‌های زراعی و افزایش ۵۰ درصدی مساحت زمین‌های شهری است که بیشترین میزان افزایش سطح زمین‌های شهری در نقاط روستایی تبدیل شده به شهر یا به عبارتی سکونتگاه‌های پیراشهری مشاهده می‌شود. **هدف از این مقاله**، بررسی تأثیر تحولات پیراشهرنشینی بر زمین‌های مستعد زراعی از لحاظ ارزیابی توان اکولوژیکی در منطقه کلانشهری تهران و بکارگیری نتایج تحلیلی چنین تحولاتی در برنامه‌ریزی و مدیریت حریم کلانشهر تهران (۱۳۸۵) است. با بهره‌مندی از روش‌های تحلیل کمی و فضایی، رشد سکونتگاه‌های پیراشهری بر اساس داده‌های جمعیتی و تصاویر ماهواره لندست تحلیل می‌شوند. **از یافته‌ها و دستاوردهای پژوهشی مقاله** آن است که (۱) سکونتگاه‌های پیراشهری در مناسب‌ترین اراضی زراعی منطقه کلانشهری تهران در حال رشد هستند. با تداوم روند رشد قارچ‌گونه و پراکنده سکونتگاه‌های پیراشهری در چنین زمین‌هایی، تعادل اکولوژیکی و زیست‌مندی اقتصادی منطقه کلانشهری

۱- تکتم آشنایی (نویسنده مسئول) toktam. ashnaee@gmail.com

2 - Peri-Urban

3- Peri-urbanisation

تهران با تهدیدات جدی روبه‌رو می‌شود که در این مقاله پیشنهاد می‌شود از سیاست‌های مهار توسعه همچون کمربندسبز برای مقابله با تهدید رشد سکونتگاه‌های پیراشهری در اراضی زراعی استفاده گردد. (۲) شهرنشینی در مراکز روستایی یا به عبارتی تحولات پیراشهرنشینی در نواحی گسترده‌ای از حریم تهران (۱۳۸۵) در حال گسترش است که در راستای تحقق اهداف کلان تعیین حریم تهران پیشنهاد می‌شود که با رویکرد نوین مبتنی بر پیوستگی و انسجام ارتباطات و مناسبات شهر-روستا-طبیعت به جای تفکیک آن‌ها به برنامه‌ریزی در حریم پرداخت. **کاربرد مقاله در برنامه‌ریزی حریم تهران (۱۳۸۵)** از آن‌رو است که می‌توان با تدوین رویکردهای نوین به برنامه‌ریزی نواحی پیراشهری مبتنی بر پیوستگی روستا-شهری در برنامه‌ریزی و مدیریت حریم، تهدید از بین رفتن زمین‌های زراعی ناشی از رشد سکونت‌گاه‌های پیراشهری را با اتخاذ تدابیری چون توسعه کشاورزی شهری و توسعه گردشگری به فرصتی برای رونق اقتصادی و ارتقای بهره‌وری روستایی در نواحی پیراشهری تهران تبدیل کرد. **این مقاله در راستای برنامه‌ریزی حریم شهر تهران پیشنهاد می‌دهد** که برای سکونتگاه‌های پیراشهری که به سرعت در حال رشد در زمین‌های زراعی هستند و بخش بزرگی از حریم تهران را فرامی‌گیرند، سیاست‌های مدیریتی یکپارچه اتخاذ گردد و تحت لوای تشکیلات نهادی یکپارچه نیز این سیاست‌ها اجرایی گردند. برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه فضایی یکپارچه برای شهر، روستا و پیراشهر در حریم تهران، نیازمند در نظر گرفتن توسعه فضایی این عناصر با یکدیگر است که در عین بهره‌مندی از آزادی‌های محلی هر یک با سطوح بالای مدیریتی در سطح منطقه نیز هماهنگ باشد. نهاد مدیریت حریم تهران می‌تواند نهادی عمومی و غیردولتی به ریاست شهرداری تهران باشد. تدوین استراتژی‌های فضایی منطقه‌ای (Regional Spatial Strategy) با هدف پیوستگی روستا-شهری، می‌تواند پلی بین شکاف سیاست‌های توسعه روستایی (طرح‌های روستایی) و توسعه شهری (طرح‌های جامع شهری) مجزا در حریم تهران باشد.

واژگان کلیدی: پیراشهرنشینی، سکونتگاه‌های پیراشهری، پیوستگی روستا-شهری، ارزیابی توان اکولوژیک، زمین‌های مستعد زراعی، حریم شهر تهران

۱. مقدمه

با شهرنشینی شتاب‌زده و افزایش جمعیت، پدیده‌های نوینی از اشکال سکونتی در قالب سکونت، فعالیت و تفریح از رویارویی شهر-روستا-طبیعت در محیط پیرامونی شهرها به وجود می‌آید. ناحیه پیرامونی شهر که به شدت تحت تاثیر فعالیت‌های شهری قرار دارد، اغلب به عنوان پیراشهر شناخته می‌شود. شهرها با پیشروی به سوی فضاهای زیستی، اراضی کشاورزی و محیط طبیعی موجب شکل‌گیری و دگرگونی شهرها در اندازه‌های گوناگون، دگرگونی از ماهیت روستایی به شهری در روستاهای در مرحله گذار و پدیدار گشتن پیراشهرنشینی می‌شوند (دانشپور، ۱۳۸۵). تحول فضایی پیراشهرنشینی یا به عبارتی دیگر رشد شهرنشینی در نواحی روستایی از سویی مشارکت در اقتصاد منطقه‌ای و از سویی دیگر افزایش جدایی‌گزینی اجتماعی و ناکارآمدی در بهره‌وری روستایی را در پی دارد. از اوایل دهه ۱۳۵۰ه. ش تهران با گسترش اقتدار و نفوذ خود در شهرها و روستاهای پیرامونی ابعاد نوینی از گسترش فضایی خود را در منطقه مطرح می‌کند. تقسیم تهران به دو محدوده قانونی و خارج از محدوده یعنی حریم بر اساس ضوابط طرح جامع ۱۳۴۷، باعث ظهور مسائلی چون افزایش ساخت‌وسازهای غیر مجاز و تخریب

زمین‌های زراعی می‌گردد (مهدیزاده، ۱۳۸۲). با افزایش قیمت زمین و مسکن و هزینه‌های زندگی قدرت رقابت کلانشهر با پیرامون کاهش می‌یابد و حاصل آن کند شدن رشد کلانشهر و اولویت اراضی بلافصل آن در شکل نوعی توسعه ناپیوسته، موازنه مهاجرتی به نفع سکونتگاه‌های پیرامونی و افزایش سکونتگاه‌های روستا- شهری است (حاجی پور، ۱۳۸۷).

بنابراین برون‌فکنی و سرریز جمعیت به سوی نواحی روانه می‌شود که کنترل رشد در آن‌ها ضعیف و یا فاقد آن است. جابه‌جایی فضایی جمعیت به حریم تهران با قوانین مدیریتی ضعیف، باعث رشد فزاینده جمعیت در روستاها و سپس تبدیل آن‌ها به نقاط شهری می‌شود. چنین نقاط روستایی تبدیل‌شده به شهر به عنوان سکونتگاه‌های پیراشهری توصیف می‌شوند. طی چهل دهه اخیر، سهم کلانشهر تهران از جمعیت شهری منطقه کلانشهری از حدود ۹۰٪ در سال ۱۳۵۵ به ۶۰٪ در سال ۱۳۹۰ کاهش، اما سهم جمعیت سکونتگاه‌های پیراشهری (روستاها) تبدیل‌شده به شهر) از جمعیت شهری منطقه از ۲٪ به ۲۴٪ افزایش می‌یابد. همراه با روند تبدیل شدن روستاها به شهر در شرایط عدم کنترل رشد در حریم تهران، زمین‌های زراعی نیز به سرعت به زمین‌های شهری تبدیل می‌شوند. تحلیل کلاس‌های پوشش گیاهی و زمین‌های شهری بر اساس تصاویر ماهواره لندست در منطقه، حاکی از کاهش زمین‌های زراعی و افزایش زمین‌های شهری است.

از سویی دیگر در ارتباط با پاسخ‌گویی به مسایل و مشکلات در نواحی پیرامونی کلانشهر، در طرح جامع تهران (۱۳۸۵) گستره حریم پایتخت تعیین می‌شود که از اهداف کلان آن "حفاظت از گستره‌های زیست‌محیطی پیرامون شهر تهران" و "سامان بخشی به اسکان و استقرار بی‌رویه جمعیت و فعالیت" است (بوم‌سازگان، ۱۳۸۵).

در این راستا هدف از این مقاله، بررسی روند رشد سکونتگاه‌های پیراشهری در منطقه کلانشهری تهران و تحلیل تأثیر تحولات پیراشهرنشینی و رشد چنین سکونتگاه‌هایی بر زمین‌های مستعد زراعی نواحی روستایی است. از نتایج تحلیل این تحولات برای تحقق اهداف مذکور طرح جامع در برنامه‌ریزی و مدیریت حریم مصوب کلانشهر تهران (۱۳۸۵) استفاده می‌شود.

پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذیل برای دست‌یابی به این اهداف ضروری است. نخست آن‌که روند رشد سکونتگاه‌های پیراشهری و تحولات پیراشهرنشینی در منطقه کلانشهری تهران بر اساس شاخص رشد جمعیت و تغییرات کاربری اراضی چگونه بوده است؟ سپس موقعیت مکانی زمین‌های مستعد زراعی از لحاظ ارزیابی توان اکولوژیکی در منطقه چیست؟ آیا پراکنش فضایی سکونتگاه‌های پیراشهری در منطقه کلانشهری تهران برای زمین‌های مستعد زراعی فرصت قلمداد می‌شود یا تهدید؟ در نهایت، بر اساس نتایج تحلیل به این پرسش می‌توان پاسخ داد که اهمیت تحلیل روند رشد سکونتگاه‌های پیراشهری و تحولات پیراشهرنشینی در برنامه‌ریزی و مدیریت حریم مصوب کلانشهر تهران (۱۳۸۵) چیست؟

با بهره‌گیری از مفاهیم و مبانی نظری پژوهش و اطلاعات تصاویر ماهواره لندست ۱۹۸۸ و ۲۰۰۶ میلادی و به‌کارگیری از روش تحلیل کمی و فضایی، داده‌های جمعیتی و فضایی مرتبط با تحولات پیراشهرنشینی و پوشش گیاهی در منطقه کلانشهری تهران با استفاده از ابزار نرم‌افزار ArcGIS تحلیل و به سوالات پاسخ داده می‌شود.

۲. روش شناسی

این مقاله به تبیین ماهیت، ویژگی‌ها و تشریح چگونگی مساله و ابعاد چرایی آن می‌پردازد که برای تبیین دلایل نیاز به تکیه‌گاه استدلالی است که از طریق مبانی نظری موضوع فراهم می‌گردد. گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و مطالعه کتب و مقالات به‌ویژه لاتین است. اطلاعات نمونه مطالعاتی نیز بر اساس اسناد و برنامه‌های مصوب در منطقه کلانشهری تهران^۱ و داده‌های سرشماری‌های مرکز آمار ایران تهیه می‌گردد.

سپس اطلاعات برای پاسخ به سوالات و دست‌یابی به هدف مقاله تحلیل می‌شوند. می‌توان سه شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات را به صورت روش کیفی، کمی و فضایی تقسیم‌بندی نمود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹). شیوه تحلیل تحولات پیراشهرنشینی و سنجش پراکنش فضایی سکونتگاه‌های پیراشهری در زمین‌های مستعد زراعی در منطقه کلانشهری تهران ترکیبی از روش‌های کمی و فضایی است. شیوه تحلیل فضایی با استفاده از ابزارهای تحلیل در نرم‌افزار GIS و در فضای جغرافیایی منطقه کلانشهری تهران و نقاط شهری و روستایی مستقر در آن صورت می‌پذیرد.

بررسی روند تغییرات نیازمند مقایسه داده‌ها، آمار و نقشه‌هایی است که در تاریخ‌های متفاوت و بر مبنای استاندارد مشابه تهیه می‌شوند. با استفاده از پردازش تصاویر چند زمانه می‌توان روند تغییرات کاربری اراضی و پوشش گیاهی در سطح منطقه را سنجش نمود. بدین منظور از داده‌های تصاویر ماهواره لندست TM (۱۹۸۸م) و IRS (۲۰۰۶م) (در طرح آمایش استان تهران- مطالعات منابع طبیعی و محیط‌زیست (۱۳۸۸) استفاده می‌شود. بررسی روند تحولات پیراشهرنشینی در منطقه با به‌کارگیری شاخص میزان تغییرات رشد جمعیت و سطوح زمین‌های شهری صورت می‌پذیرد. بدین منظور از نتایج جمعیتی سرشماری نفوس و مسکن از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ بهره‌گرفته می‌شود و تغییرات زمین‌های شهری در نقاط روستایی تبدیل‌شده به شهر نیز بر اساس تصاویر ماهواره‌ای ۱۹۸۸ میلادی (۱۳۶۷ه. ش) و ۲۰۰۶ میلادی (۱۳۸۵ه. ش) ارزیابی می‌شود.

۳. مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

بررسی متون مرتبط با قلمروهای مختلف جغرافیایی و برنامه‌ریزی در محیط پیرامونی شهرها و کلانشهرها حاکی از وجود مفاهیم متعددی است. یک تعریف مشخص و قابل قبول در سطح جهان برای این‌گونه از قلمروهای فضایی به علت تنوع گسترده واژه‌ها، تدوین نشده‌است. "پیراشهر و پیراشهرنشینی" یکی از واژه‌های متداول در ادبیات برنامه‌ریزی مرتبط با محیط پیرامونی است که در این مقاله برای توصیف تحولات فضایی در محیط پیرامونی کلانشهر تهران به‌کار می‌روند.

۳-۱- پیراشهر و توسعه پیراشهری: چالشی در برنامه‌ریزی فضایی منطقه‌ای

^۱ - طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن (۱۳۷۵)، طرح کالبدی منطقه البرز جنوبی (۱۳۸۷)، طرح تهیه و تدوین برنامه آمایش استان تهران (۱۳۸۸)

پیراشهر را می‌توان ناحیه‌ای پیرامون شهر تعریف نمود که از لحاظ بوم‌شناختی و اجتماعی-اقتصادی با عملکردهای درون شهر ادغام می‌شود. به‌عنوان ناحیه گذار بین شهر و پسرکرانه روستایی می‌تواند هم از شهر و هم روستا به دلیل رشد سریع، پویایی، ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی مختلط متمایز باشد (Simon and McGregor, 2004). مجاورت با مراکز شهری، خود تعریف پیراشهر نمی‌باشد بلکه وجود هر دو ویژگی شهری، روستایی و جریان منابع، کالاها و مردم از شهر و به آن نیز ضروری است (Narain and Nischal, 2007, Buxton et al, 2008). واژه پیراشهر می‌تواند به معنی مکان، مفهوم و فرایند مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس پیراشهر به کناره شهری و لبه جغرافیایی آن به عنوان مکان، به دخالت بین فعالیت‌ها، سازمان‌ها شهری و روستایی به عنوان مفهوم و نیز گذار از نواحی روستایی به شهری به عنوان فرایند اشاره دارد (Allen et al, 1999, Narain and Nischal, 2007).

۳-۲- پیراشهرنشینی: فرایند گذار از نواحی روستایی به شهری

داگلاس وبستر (۲۰۰۲)^۱ در پژوهشی با همکاری مرکز تحقیقاتی آسیا و اقیانوسیه که توسط دانشگاه استنفورد^۲ انتشار می‌یابد، به بررسی پیراشهرنشینی در آسیای شرقی می‌پردازد. وی به فرایندی اشاره دارد که نواحی روستایی واقع در پیرامون شهرها از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و کالبدی به تدریج ویژگی‌های شهری را کسب می‌نمایند. این فرایند با تغییرات اقتصاد محلی و ساختار اشتغال از کشاورزی به صنعتی، رشد سریع جمعیت و مهاجرت، افزایش ارزش زمین و اختلاط کاربری‌ها مشخص می‌گردد. میزان بالای مهاجرت نیروی محرکه مهمی در این فرایند است. تنش‌های محیط‌زیستی در نواحی پیراشهری قابل توجه است که به ماهیت سکونتگاه‌های واقع در این نواحی، آلودگی ناشی از منابع آلاینده صنعتی و کافی نبودن منابع مالی بخش عمومی برای برخورد با توسعه سریع این نواحی وابسته است (Webster, 2002).

مک‌گی^۳ (۱۹۹۱) با مطالعاتی درباره روابط روستا-شهری و پیراشهرنشینی در اندونزی اصطلاح دسا کوتا^۴ ("دسا" به معنای روستا و "کوتا" به معنای شهر) را برای فضایی به کار می‌برد که همزیستی قوی بین فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی مشاهده می‌شود (McGee, 1991). توفیق (۱۳۸۴) در کتاب آمایش سرزمین، پیراشهرنشینی را چنین توصیف می‌کند: "پیراشهرنشینی، توسعه روستاهای پیرامون شهرها به علت نزدیکی به آنها است. این پدیده بیشتر نه منحصرأ ناشی از توسعه خانه‌های انفرادی از جمله خانه‌های ییلاقی شهرنشینان در روستاها است که به تغییر طبیعت و پیدایش اشکال شهری در مجموعه‌های روستایی می‌انجامد" (توفیق، ۱۳۸۴).

1 - Professor at the School of Global Studies and School of Sustainability, Arizona State University

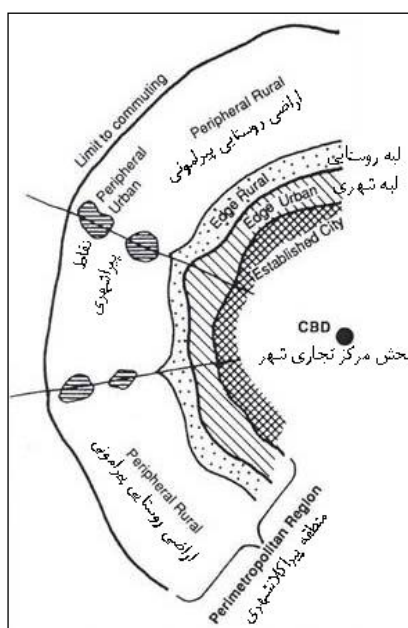
2 - Asia/Pacific Research Center by Stanford University

3- McGee

4 -Desakota

برنلی و مورفی^۱ (۱۹۹۵) گونه‌ای از حلقه‌های متحدالمرکز منظم را برای الگوی کاربری زمین محیط پیرامونی کلانشهر در شکل ۱ ارائه می‌کنند. بر این اساس محیط پیرامونی کلانشهری می‌تواند به دو قلمروی فضایی تقسیم شود:

قلمروی فضایی نخست: لبه ناحیه آماری محلی^۲ است که به زمین‌های بلافصل، پیوسته و لبه جغرافیایی کلانشهر اشاره دارد که در حال "سکنی‌گزینی جمعیت به واسطه گسترش حومه‌های شهری" است. این نواحی خود می‌توانند به دو محدوده لبه شهری (Urban Edge) یعنی نواحی شهری شده و لبه روستایی (Edge Rural) یعنی هنوز دارای مشاغل سنتی روستایی تقسیم شوند.



شکل ۱: الگوی برنلی و مورفی برای محیط پیرامونی کلانشهر

منبع: Buxton et al, 2008

دومین قلمروی فضایی: ناحیه پیرامونی^۳، به زمین‌های فراسوی لبه جغرافیایی اشاره دارد. ناحیه پیرامونی نیز به دو بخش تقسیم می‌شود، به زمین‌های روستایی پیرامونی (Peripheral Rural) که دارای طیفی از فعالیت‌های روستایی است و نقاط پیراشهری (Peripheral Urban) که دربرگیرنده مراکز شهری در ماتریسی از زمین‌های روستایی است. بکستون و همکاران^۴ (۲۰۰۸)، فرایند شهرنشینی پویا در ناحیه پیرامون کلانشهر را به عنوان پیراشهرنشینی معرفی می‌کنند که مستلزم سطوح بالایی از رشد غیرکلانشهری است و درگیر دگرگونی کاربری زمین‌های روستایی است. فعالیت‌های کاربری زمین پیراشهری نمایانگر میزان بالایی از عدم تجانس و ناهمگنی، تغییر و تحولات مستمر است. آن‌ها بر اساس مدل برنلی و مورفی الگوی فضایی از گونه‌های مختلف پیراشهری ارائه می‌کند. این گونه‌بندی به

1 - Burnley and Murphy
2 - Edge Statistical Local Area
3 - Peripheral Area
4- Buxton

وجود تعدادی از مراکز پیراشهری (peri-urban centres) درون حوزه سفرهای آونگی به کلانشهر اشاره دارد (Buxton et al,2008).

بنابراین واژه پیراشهر علاوه بر توصیف لبه جغرافیایی شهر و محیط پیرامونی آن به صورت پیوسته، به فضایی منفک و منفصل از شهر اما تحت تاثیر شهرگرایی آن نیز اشاره دارد. در این پژوهش "نواحی پیراشهری" توصیف‌کننده لبه جغرافیایی و احاطه‌کننده شهر و "سکونتگاه‌ها یا نقاط پیراشهری" تبیین‌کننده نقاط سکونتگاهی روستا-شهری و به عبارتی روستای منفصل تبدیل شده به شهر است. "پیراشهرنشینی" به عنوان رشد شهرنشینی در نواحی پیرامونی، در قالب توسعه روستاهای پیرامونی و فرایند تبدیل نقاط سکونتی با ماهیت روستایی به شهری در منطقه تعریف می‌شود.

۳-۳- رویکردهای نوین برنامه‌ریزی توسعه پیراشهری

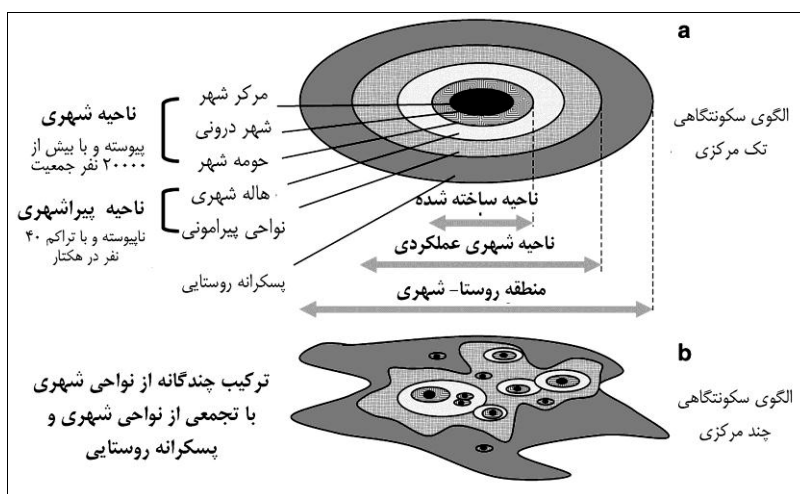
به طور سنتی، جامعه‌شناسان به شهرنشینی و ارتباط بین نواحی شهری و پسرکرانه‌شان یا فعالیت‌ها و رفتار بشری در چنین نواحی با تکیه بر دوگانگی ساده شهری-روستایی توجه می‌کردند. تفکر بر این مبنا بوده‌است که نواحی شهری و روستایی با ویژگی‌های مشخص الگوهای کاربری زمین و نیز رفتارهای بشری متمایز می‌شوند و مرزهای بین این نواحی و مکان‌ها به آسانی قابل تشخیص و مرزبندی روشن است (Fazal,2013). حال آن‌که از منظر محیط‌زیستی پیراشهر می‌تواند به عنوان موزاییکی ناهمگن از اکوسیستم طبیعی، زراعی یا تولیدی و شهری تعریف گردد که تحت تاثیر جریان‌هایی است که از سوی ساز و کارهای شهری و روستایی تقاضا می‌شود (Allen,2003, Narain and Nischal,2007).

در نواحی پیراشهری ارتباطات روستا-شهری و کشمکش‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی بیشترین شدت را دارا است. داگلاس^۱ (۱۹۹۸) چارچوب تحلیلی با هدف ادراک چگونگی پیوندهای روستا-شهری پیشنهاد می‌کند. بر این اساس جریان‌هایی از مردم، تولیدات، کالا، سرمایه و اطلاعات وجود دارند که می‌تواند متقابلاً یکدیگر را تقویت نمایند یا این‌که سبب ایجاد روابط متضاد یا متقابل بین توسعه شهر و روستا شوند. آلن^۲ (۲۰۰۳) به این چارچوب تحلیلی، جریان‌های منابع طبیعی، مواد زائد و آلودگی را نیز اضافه می‌کند (نمودار ۱) که تاکید بر پویایی ارتباطات روستایی-شهری و جریان‌های میان آن دو در سطح منطقه است (Allen,2003).



نمودار ۱: جریان‌های روستا-شهری منبع: Allen,2003

گسترش شهرنشینی در نواحی روستایی فرایند ساده یک طرفه‌ای نیست. بروز ارتباطات دو سویه بین مراکز روستایی و شهری می‌تواند در طول زمان به تحولات عمده پیراشهری منجر گردد. این ارتباطات موجب پویایی تغییرات به سوی "انباشتگی منطقه‌ای و تقویت پیوندهای روستا-شهری" می‌گردد. پیکره‌بندی مفهوم منطقه روستا-شهری، تصویر گسترده‌تری از رشد و تغییر در سکونتگاه‌های انسانی در نواحی پیرامونی شهرها و کلانشهرها است که با گسترش پویای شهرها به سوی پسرکرانه روستایی آغاز می‌شود. ساختار فضایی منطقه روستا-شهری شامل (شکل ۲) شهر مرکزی، نواحی و سکونتگاه‌های پیراشهری و روستایی است (Piorr et al, 2011). مدیریت ارتباطات بین شهر-روستا و پیراشهر با هدف "توسعه یکپارچه برای همبستگی سرزمینی در منطقه روستا-شهری" در دستورکار کشورهای اروپایی است. این یک دستورکار توسعه پایدار است که هدف آن شناسایی خدمات و عملکردهای اقتصادی، اجتماعی یا زیست‌محیطی بین نواحی مختلف و همچنین تعیین ارزش‌های‌شان است و سپس ایجاد سیاست‌هایی مبتنی بر فضا برای به دست آوردن بهترین تعادل از خدمات و ارزش‌ها است. بدان مفهوم که توسعه پیراشهری آشفته می‌تواند با ایجاد چنین روابطی بهبود یابد (Ibid).



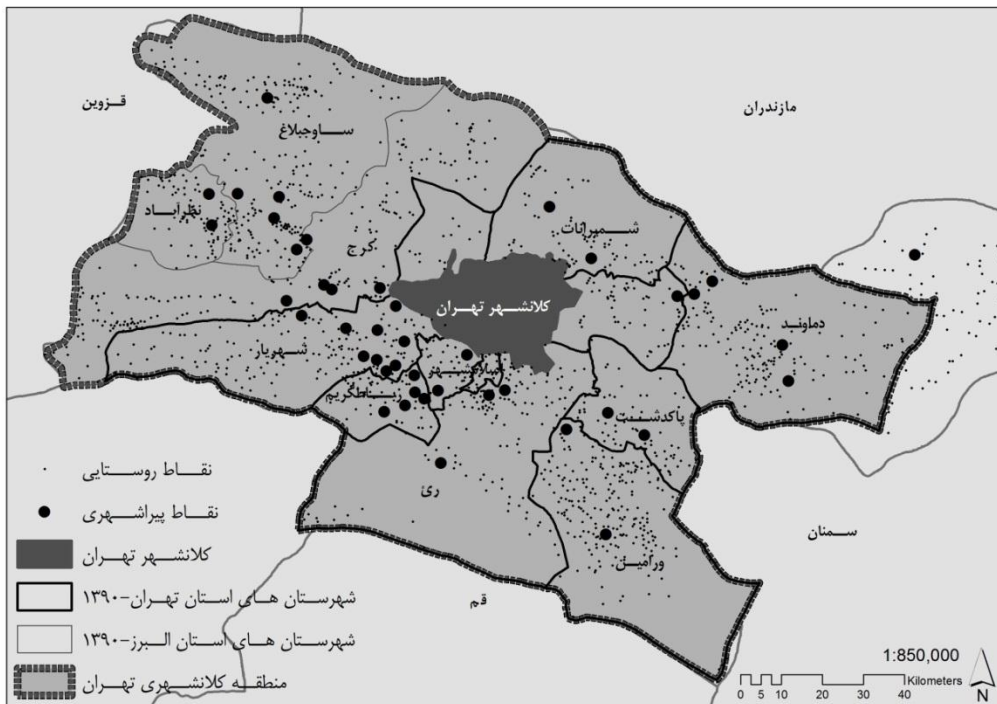
شکل ۲: مفهوم فضایی منطقه روستا-شهری و ناحیه پیراشهری

منبع: Piorr et al, 2011

۴. معرفی محدوده مطالعاتی

سطح کلان محدوده مطالعاتی، منطقه کلانشهری تهران است که دربرگیرنده شهرستان‌های استان تهران و استان البرز بر اساس تقسیمات سیاسی-اداری سال ۱۳۹۰ است. شهرستان فیروزکوه در منطقه کلانشهری یا مجموعه شهری تهران به دلیل فاصله زیاد از کلانشهر قرار نمی‌گیرد. سطح خرد مطالعات، نقاط روستایی هستند که با شکل‌گیری منطقه کلانشهری از دهه ۱۳۵۰ دستخوش تغییرات جمعیتی گسترده‌ای بوده و با افزایش سریع جمعیت، عنوان شهر به آن‌ها اطلاق شده‌است. در این مقاله، نقاط جمعیتی که در سرشماری ۱۳۴۵ عنوان روستا دارند اما تا سرشماری

۱۳۹۰ به تنهایی یا ادغام با چند روستای دیگر عنوان شهر به آن‌ها اطلاق می‌شود به عنوان "سکونتگاه یا نقاط پیراشهری"^۱ معرفی می‌شوند (شکل ۳).



شکل ۳: موقعیت منطقه کلانشهری تهران و روستاها و نقاط پیراشهری مستقر در آن
منبع: تقسیمات سیاسی-اداری کشور، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰ و تحلیل نگارندگان در GIS

بحث و بررسی

چگونگی روند تحولات پیراشهرنشینی در منطقه کلانشهری تهران از طریق سنجش میزان تغییرات رشد نقاط پیراشهری صورت می‌گیرد که از شاخص رشد جمعیت طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۹۰ و میزان تغییرات سطوح زمین‌های شهری شده بر اساس تصاویر ماهواره لندست ۱۹۸۸ و ۲۰۰۶ میلادی استفاده می‌شود. سپس پراکنش فضایی نقاط پیراشهری در زمین‌های مستعد زراعی آبی و دیم از لحاظ ارزیابی توان اکولوژیکی در منطقه تحلیل می‌گردد.

۵-۱- تحلیل تحولات پیراشهرنشینی بر اساس تغییرات رشد جمعیت

از اوایل دهه ۱۳۲۰ ه. ش با تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی روند شهرسازی نظامی تا حد زیادی رو به تعدیل می‌نهد و الگوی جدید برنامه‌ریزی متمرکز دولتی به تدریج جای آن را فرامی‌گیرد. در سال ۱۳۲۸ ه. ش تهران با یک میلیون نفر جمعیت ابعاد کلانشهری را داشته که تا پایان دهه ۱۳۴۰ ه. ش علاوه بر شاخص جمعیتی، شاخص پراکنش فعالیت و جمعیت و تغییر در الگوی گسترش شهر اندک پدیدار می‌گردد (داوودپور، ۱۳۸۸).

۱-نقاط پیراشهری سال ۱۳۵۵ شامل: شهریار، فیروزکوه، قرچک، قدس، ملارد، نظرآباد، هشتگرد، حسن‌آباد و نقاط پیراشهری سال ۱۳۹۰ شامل: شهریار، فیروزکوه، قرچک، قدس، ملارد، نظرآباد، هشتگرد، حسن‌آباد، آبسرد، آبعلی، ارجمند، اسلام‌شهر، باغستان، باقرشهر، بومهن، پاکدشت، جوادآباد، چهاردانگه، رباط کریم، رودهن، شاهدشهر، شریف‌آباد، صالح‌آباد، صباشهر، صفادشت، فردوسی، فرون‌آباد، فشم، کهریزک، کیلان، گلستان، لواسان، نسیم‌شهر، نصیرآباد، وحیدیه، اسارا، تنکمان، چهارباغ، طالقان، کمال‌شهر، کوهسار، گرمدره، گلزار، ماهدشت، محمدشهر، مشکین‌دشت

از اوایل دهه ۱۳۵۰ روند توسعه کالبدی تهران به صورت گسسته در امتداد محورهای ارتباطی آهنگی سریع پیدا می‌کند. تهران با گسترش نفوذ خود در شهرها و روستاهای پیرامونی، گسترش فضایی خود را در سطح منطقه مطرح می‌کند ((Madanipour, 2011). در دهه ۱۳۶۰ ه. ش برخی از اقدامات دولت منجر به تدوین مقرراتی گردید که مانعی در استقرار بی‌قید و شرط مهاجران در تهران و هدایت آن‌ها به نقاط پیرامونی بود. در دهه ۱۳۷۰ ه. ش، افزایش مهاجرت‌های درون منطقه کلانشهری را می‌توان عامل مهمی در تشدید یا تضعیف استقرار جمعیت در نقاط خاصی از منطقه پنداشت. این امر درعین مختل کردن نظام اشتغال و بهره‌وری روستایی، به تغییر سیمای جمعیتی روستاها و شهری شدن آن‌ها می‌انجامد. در دهه ۱۳۸۰ ه. ش سهم شهرستان تهران در موازنه جمعیتی منفی یعنی روند مهاجرفرستی بیش از مهاجرپذیری بوده‌است. در مقابل، موازنه مهاجرتی سایر شهرستان‌های استان حاکی از مهاجرپذیر شدن آنها است (زنجانی، ۱۳۸۸).

گسترش نقاط پیراشهری در منطقه کلانشهری، بیش از آن‌که معلول مهاجران تازه وارد روستایی باشد، نتیجه بازتوزیع و جابه‌جایی جمعیت شهرنشین درون منطقه کلانشهری تهران است (zebardast, 2006). در منطقه کلانشهری تهران، گرایش جمعیت روستایی با شدت بیشتری در مقایسه با کشور به سوی روستاهای بزرگتر در نواحی پیرامونی تهران است. این روستاها به تدریج با از دست دادن معیشت و اقتصاد روستایی خود، ویژگی‌های شهری کسب می‌نمایند. می‌توان سه حالت برای دگرگونی نقاط روستایی در منطقه بیان نمود:

- ادغام در شهر در پی گسترش بیرونی شهر
 - ادغام چند روستای مجاور با یکدیگر و تشکیل یک مرکز شهری؛ در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۰ تعداد ۲۳ شهر از ادغام روستاهای پرجمعیت در منطقه کلانشهری تشکیل می‌شود.
 - تبدیل مراکز سکونتگاهی روستایی به نقاط شهری؛ نقاط شهری منطقه کلانشهری از ۱۸ شهر در سال ۱۳۵۵ به ۵۳ شهر در سال ۱۳۸۵ می‌رسد (آمایش و توسعه البرز، ۱۳۸۸: ۶۹).
- بدین ترتیب همزمان با دوران پیکره‌بندی منطقه کلانشهری تهران، روستاهای پرجمعیت به تنهایی یا در ادغام با چند روستای دیگر عنوان شهر به آن‌ها اطلاق می‌شود. فرایند گذار از نقاط روستایی به شهری و شهرنشینی مراکز روستایی در منطقه کلانشهری، پاسخی به فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کالبد جغرافیایی محیط پیرامونی تهران است که تحت عنوان پیراشهرنشینی تحلیل می‌شود. گونه‌بندی عام از اشکال سکونتی در منطقه کلانشهری بسیار دشوار است، اما با هدف، تحلیل رشد شهرنشینی در محیط پیرامونی تهران، آن‌ها را بدین گونه دسته‌بندی می‌گردند.

- شهرهای اصلی

- شهرهای جدید

- شهرک‌های مسکونی و مجتمع‌های مسکن مهر

- نقاط یا سکونتگاه‌های پیراشهری (روستای تبدیل‌شده به شهر)

یکی از شاخص‌هایی که برای سنجش تحولات پیراشهرنشینی در منطقه کلانشهری تهران به کار می‌رود، میزان تغییرات رشد جمعیت در نقاط پیراشهری است. بدین منظور سهم جمعیتی هر یک از اشکال سکونتی از جمعیت

شهری منطقه کلانشهری تهران و میزان تغییرات رشد جمعیت هر یک از آن‌ها طی دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ سنجش می‌گردد (جدول ۱).

شهرهای اصلی: پیش از تکوین منطقه کلانشهری تهران در سرشماری ۱۳۴۵ یعنی پیش از برون‌فکنی جمعیت از کلانشهر تهران (حاجی‌پور، ۱۳۸۷) تنها اشتهارد، پیشوا، دماوند، کرج، ورامین، تجریش و شهرری دارای ماهیت شهری بوده‌اند. بنابراین سایر شهرهای منطقه (به جز شهرهای جدید) در سرشماری ۱۳۹۰، دارای پیشینه و ماهیت روستایی و بدون سابقه شهرنشینی هستند. تجریش و شهرری در کلانشهر تهران ادغام می‌گردند و ۵ شهر دیگر به عنوان شهرهای اصلی در منطقه معرفی می‌گردند. سهم جمعیتی شهرهای اصلی از کل جمعیت شهری منطقه از ۴٪ در سال ۱۳۵۵ به ۱۴٪ در سال ۱۳۹۰ می‌رسد که در این بین تنها کرج با رشد فزاینده جمعیت از شهری ۴۵ هزار نفری به کلانشهری ۱.۶ میلیون نفری تبدیل می‌شود.

شهرهای جدید: با هدف جذب سرریز جمعیت کلانشهر از طریق ایجاد کانون‌های اشتغال و جلوگیری از خوابگاهی شدن برنامه‌ریزی می‌شوند. برنامه احداث شهرهای جدید اندیشه، هشتگرد، پردیس و پرند در منطقه کلانشهری در سال ۱۳۶۸ آغاز گردید. سهم جمعیت چنین شهرهایی از جمعیت شهری منطقه کلانشهری در سال ۱۳۹۰ تنها ۱.۳۷ درصد است.

شهرک‌های مسکونی و مجتمع‌های مسکن مهر: الگوی سکونتی شهرک‌های مسکونی به صورت پراکنده و منفصل در نزدیکی شهرها، در زمین‌های متعلق به دولت و در خارج از محدوده شهری مکان‌یابی می‌شوند تا حذف قیمت زمین از قیمت تمام شده واحد مسکونی محقق گردد. آماری مدون از جمعیت‌پذیری شهرک‌های مسکونی در منطقه در دست نمی‌باشد.

نقاط پیراشهری: مراکز روستایی در پیرامون کلانشهر تهران همواره دستخوش تغییرات گسترده‌ای هستند و در جریان روند شهری شدن قرار دارند، به طوری که سهم روستاهای تبدیل شده به شهر (سکونتگاه‌های پیراشهری) از حدود ۲٪ در سال ۱۳۵۵ به ۲۴٪ در سال ۱۳۹۰ می‌رسد. طی این دوره، افزایش سهم جمعیتی این نقاط سکونتی از جمعیت منطقه کلانشهری تهران با اختلاف قابل توجهی بالاتر از سهم جمعیتی شهرهای اصلی و شهرهای جدید در منطقه است.

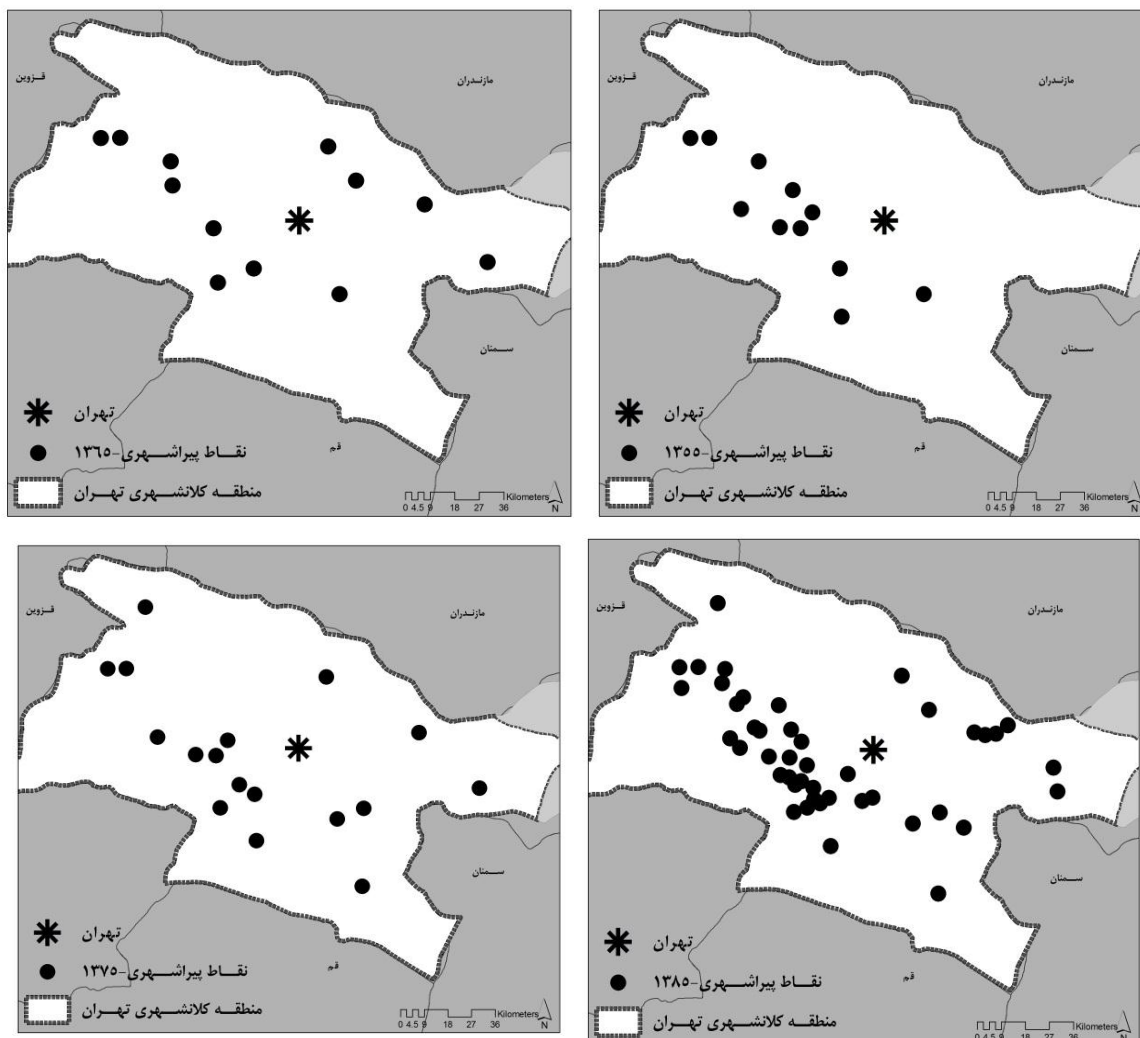
جدول ۱: سهم اشکال سکونتی از جمعیت شهری منطقه کلانشهری تهران و میزان تغییرات رشد جمعیت، ۱۳۵۵-۱۳۹۰

میزان تغییرات رشد جمعیت	۱۳۹۰		۱۳۵۵		جمعیت	اشکال سکونتی
	درصد	جمعیت	درصد	جمعیت		
۱۳۹۰-۱۳۵۵	۳۷.۶۰	۸۱۵۴۰۵۱	۰۲.۹۴	۴۵۳۰۲۲۳		کلانشهر تهران
	۳۷.۱۴	۱۹۴۱۱۹۵	۰۸.۴	۱۹۶۹۶۰		شهرهای اصلی منطقه (شهرهای موجود در سال ۱۳۴۵)
	۳۷.۱	۱۸۵۵۲۱	۰	۰		شهرهای جدید
	۰۹.۲۴	۳۲۵۴۱۸۲	۹.۱	۹۲۴۳۶		نقاط پیراشهری (روستاهای تبدیل شده به شهر)
	۱۰۰	۱۳۵۰۶۳۱۶	۱۰۰	۴۸۱۹۶۱۹		مجموع جمعیت شهری منطقه کلانشهری تهران

منبع: بر اساس داده‌های خام جمعیت مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵-۱۳۹۰ و تحلیل نگارندگان

کاهش سهم تهران از جمعیت شهری منطقه کلانشهری از ۹۴ به ۶۰ درصد، برون‌فکنی و سرریز توسعه به مراکز پیرامونی تهران را نشان می‌دهد. بالاترین میزان تغییرات رشد جمعیت با ۲.۳۴ متعلق به این گونه سکونتی است که

این امر نمایانگر گذار سریع مراکز روستایی به شهری و روند درحال رشد نقاط پیراشهری است. شکل ۴ روند رشد و پراکنش فضایی نقاط پیراشهری را طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ در منطقه نشان می‌دهد. روند تحولات پیراشهرنشینی از بعد فضایی نشان می‌دهد که هلال جنوب و جنوب غربی کلانشهر تهران، شاهد بیشترین انباشت و رشد قارچ‌گونه نقاط پیراشهری است.



شکل ۴: روند رشد و پراکنش نقاط پیراشهری در منطقه کلانشهری تهران طی دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ خورشیدی

منبع: اطلاعات جمعیت مرکز آمار ایران ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ و تحلیل نگارندگان

۵-۲- تحلیل تحولات پیراشهرنشینی بر اساس تغییرات کاربری زمین

در طی دوره ۱۳۵۰ تا کنون به دنبال تکمیل ظرفیت طبیعی بستر تهران و روند توسعه پیوسته شهر، گرایش به توسعه ناپیوسته و پیرامونی به شکل غالب توسعه فضایی تهران تبدیل شده است. رشد کالبد شهر و ساخت و سازهای شهر نه بر مبنای نیاز، بلکه بر پایه بورس بازی و سوداگری زمین صورت گرفته که اغلب اراضی کشاورزی را هدف قرار داده است. پدیده‌ای که به تغییر ساختار کالبدی _ فضایی کلانشهر تهران و بسط منطقه کلانشهری منجر شده و باعث تسری و انتقال مشکلات تهران به سراسر منطقه پیرامونی در ابعاد وسیع تر شده است (قرخلو، ۱۳۸۸).

اثرگذاری فعالیت‌های انسانی بر محیط‌زیست به واسطه تغییر کاربری و پوشش اراضی قابل ارزیابی است. با استفاده از پردازش تصاویر چند زمانه می‌توان روند تغییرات کاربری اراضی در سطح منطقه را بررسی نمود. از داده‌های ماهواره لندست TM (۱۹۸۸ میلادی) و IRS (۲۰۰۶ میلادی) برای تحلیل روند تغییرات استفاده می‌شود. نتایج بررسی تغییرات کلاس‌های پوشش گیاهی در طی این دوره در جدول ۲ نشان می‌دهد که کلاس باغات، زمین‌های زراعی آبی و دیم، جنگل‌ها و مراتع خوب کاهش و کلاس‌های مراتع متوسط و ضعیف و مناطق بدون پوشش گیاهی روند افزایش دارند. مساحت زمین‌های شهری نیز در طی این دوره با رشدی ۵۰ درصدی همراه است (علیمحمدی، ۱۳۸۸).

روند رشد و گسترش زمین‌های شهری در اراضی کشاورزی جنوب منطقه کلانشهری تهران، در امتداد رودخانه کرج و دشت ورامین، منجر به تبدیل روستاهای چند هزار نفری به شهرهای بزرگ می‌شود. قرچک، اسلامشهر نمونه بارز شهرهای جدید خودانگیخته مردمی بوده که بر ساختار فضایی منطقه به شدت تأثیر گذار بوده‌است (حبیبی و هورکاد، ۱۳۸۴).

جدول ۲: مساحت و درصد تغییرات پوشش گیاهی و زمین‌های شهری ۱۹۸۸-۲۰۰۶ میلادی

کلاس در داده‌های IRS, TM	مساحت-۱۹۸۸		مساحت-۲۰۰۶		درصد تغییرات پوشش گیاهی و اراضی شهری (۱۹۸۸-۲۰۰۶)	متوسط درصد تغییرات سالانه (۱۹۸۸-۲۰۰۶)
	هکتار	درصد	هکتار	درصد		
باغات، جنگل‌های با تراکم نسبتاً بالا	۳.۱۰۳۷۷۵	۵۱.۵	۵.۷۸۴۲۲	۱۶.۴	-۷۴۳.۲۴٪	-۴۵.۱
جنگل‌های کم تراکم، مراتع خوب	۹.۵۰۵۹۸۳	۸۷.۲۶	۲.۴۶۱۴۲۱	۵۰.۲۴	-۸۰.۸٪	-۵۱.۰
اراضی زراعی آبی و دیم	۹.۲۸۵۷۹۱	۱۸.۱۵	۵.۱۸۳۴۲۷	۷۴.۹	-۸۱.۳۵٪	-۱۰.۲
مراتع متوسط و ضعیف	۱.۵۲۹۸۸۴	۱۴.۲۸	۲.۶۶۱۳۰۲	۱۲.۳۵	۸۱.۲۴٪	۲۵.۱
بدون پوشش گیاهی	۶.۴۰۶۲۹۲	۵۸.۲۱	۴.۴۲۱۰۵۸	۳۶.۲۲	۶۴.۳٪	۲۱.۰
اراضی شهری	۹۴.۵۱۴۰۵	۷۳.۲	۴۴.۷۷۴۰۰	۱۱.۴	۵۸.۵۰٪	۹۷.۲
جمع	۷۴.۱۸۸۳۱۳۳	۱۰۰	۲۴.۱۸۸۳۰۳۲	۱۰۰	-	-

منبع: علیمحمدی، ۱۳۸۸

تصاویر موزاییک‌شده علاوه بر بررسی تغییرات پوشش گیاهی، برای بررسی تغییرات وسعت زمین‌های شهری در طول زمان نیز استفاده می‌شود. به منظور مقایسه میزان تغییرات گسترش کالبدی اشکال سکونتی در منطقه کلانشهری تهران محدوده اراضی ۵۵ شهر بر اساس سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰ در هریک از گونه‌های سکونتی بر روی تصاویر ماهواره‌ای بررسی می‌گردد. در جدول ۳ روند تغییرات مساحت زمین‌های شهری هریک از اشکال سکونتی در منطقه کلانشهری در طی دوره ۱۹۸۸-۲۰۰۶ میلادی با یکدیگر مقایسه می‌شوند.

بیشترین میزان افزایش وسعت زمین‌های شهری با اختلاف قابل توجهی نسبت به شهرهای اصلی در منطقه متعلق به نقاط پیراشهری است، یعنی روستاهایی که طی ۱۹۸۸-۲۰۰۶ میلادی با رشد فزاینده جمعیت مهاجر و با کمترین زیرساخت‌های شهری عنوان شهر به آن‌ها اطلاق می‌شود، بیشترین میزان افزایش وسعت زمین‌های شهری را دارند. میزان گسترش کالبدی تهران در این دوره حدود ۴۴٪ است درحالی‌که میزان افزایش وسعت زمین‌های شهری گسسته از تهران و در نقاط پیراشهری آن ۱۳۰٪ را نشان می‌دهد. این گسترش شهری بدون برنامه و زیرساخت‌های لازم، بیشترین رشد را در منطقه دارا است.

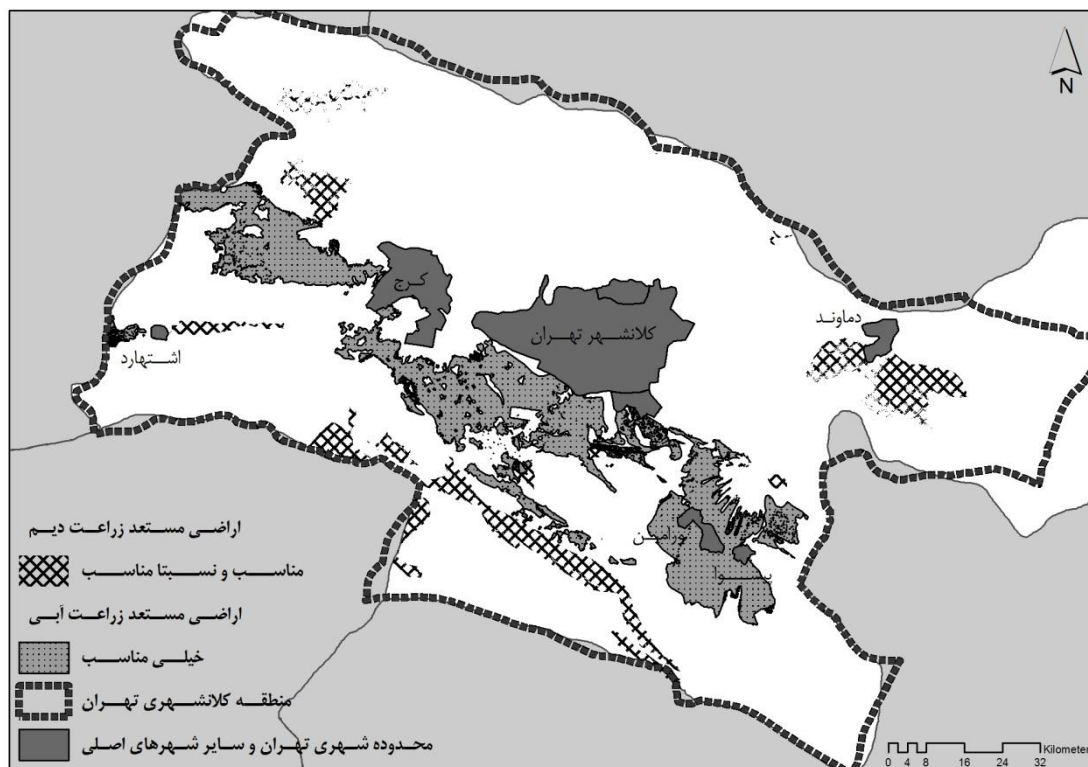
جدول ۳: مساحت و درصد تغییرات زمین‌های شهری اشکال سکوتی در منطقه کلانشهری تهران، ۱۹۸۸-۲۰۰۶ میلادی

اشکال سکوتی	مساحت-۱۹۸۸		مساحت-۲۰۰۶		درصد تغییرات مساحت اراضی شهری (۱۹۸۸-۲۰۰۶)	متوسط تغییرات سالانه اراضی شهری (۱۹۸۸-۲۰۰۶)
	هکتار	درصد	هکتار	درصد		
کلانشهر تهران	۲۵.۴۱۱۰۶	۹۶.۷۹	۶۲.۵۹۲۸۶	۶۰.۷۶	۲۳.۴۴٪	۶۰.۲
شهرهای اصلی	۲۵.۶۲۴۲	۱۴.۱۲	۵.۸۰۹۱	۴۵.۱۰	۶۲.۲۹٪	۷۴.۱
شهرهای جدید	-	-	-	-	-	-
نقاط پیراشهری	۷۵.۴۳۴۷	۴۶.۸	۱۳.۱۰۰۰۷	۹۳.۱۲	۱۷.۱۳۰٪	۶۶.۷
مجموع	۹۴.۵۱۴۰۵	۱۰۰	۴۴.۷۷۴۰۰	۱۰۰	۵۸.۵۰٪	۹۷.۲

منبع: برگرفته از داده‌های خام علیمحمدی، ۱۳۸۸ و تحلیل نگارندگان

۳-۵- ارزیابی توان اکولوژیکی زمین‌های مستعد زراعی آبی و دیم

شناخت از قابلیت‌ها و توانمندی‌های بوم‌شناختی پیش شرط توسعه پایدار محسوب می‌شود که ارزیابی توان اکولوژیکی اراضی یکی از روش‌های مناسب در چنین شناختی است. در مطالعات طرح آمایش استان تهران، ارزیابی توان اکولوژیکی برای زمین‌های زراعی آبی و دیم بر اساس اطلاعات قابلیت اراضی، تناسب اراضی برای آبیاری، کاربری اراضی وضع موجود و شیب حاصل از مدل رقومی ارتفاع منطقه صورت می‌گیرد. براین اساس زمین‌های زراعی آبی به سه کلاس (خیلی مناسب، مناسب و نسبتاً مناسب) و زمین‌های زراعی دیم به دو کلاس (مناسب و نسبتاً مناسب) تقسیم می‌شوند (علیمحمدی، ۱۳۸۸). شکل ۵ کلاس‌های مناسب و نسبتاً مناسب اراضی زراعی دیم و کلاس مناسب اراضی زراعی آبی را نشان می‌دهد.



شکل ۵: زمین‌های مستعد زراعت آبی و دیم از لحاظ ارزیابی توان اکولوژیکی در منطقه کلانشهری تهران ۱۳۸۵

منبع: علیمحمدی، ۱۳۸۸

۵. یافته‌ها و دستاوردهای پژوهش

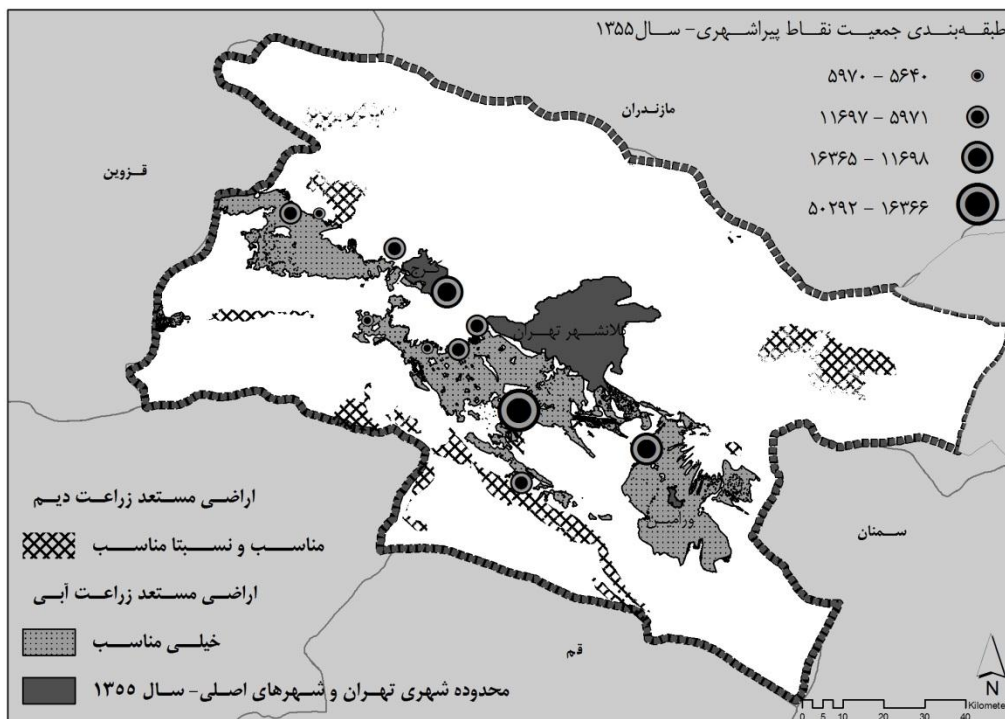
۵-۱- تهدید رشد قارچ‌گونه و پراکنده سکونتگاه‌های پیراشهری در اراضی مستعد زراعی

تحلیل تحولات پیراشهرنشینی و رشد سکونتگاه‌های پیراشهری در منطقه کلانشهری تهران بر اساس شاخص‌های رشد جمعیت و تغییرات کاربری زمین حاکی از گسترش پیراشهرنشینی و رشد سریع سکونتگاه‌های پیراشهری در دهه‌های اخیر است. نواحی روستایی با زمین‌های ارزان، فاقد ضوابط و مقررات کنترلی و نظارتی، مستقر در امتداد محورهای مواصلاتی اصلی و در نزدیکی تهران، بهترین پتانسیل برای گسترش پیراشهرنشینی در منطقه را دارا هستند. به طوری که هم‌زمان با کاهش ۱.۵ برابری سهم جمعیت کلانشهر تهران از جمعیت شهری منطقه کلانشهری طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۹۰ خورشیدی، سهم جمعیت سکونتگاه‌های پیراشهری یعنی مراکز روستایی تبدیل شده به شهر، افزایش ۱۲ برابری را در منطقه نشان می‌دهد.

در روند رشد شهرنشینی در روستاهای پیرامونی تهران، بررسی تغییرات سالانه سطح اراضی شهری نشان می‌دهد که افزایش سطح اراضی شهری پیوسته کلانشهر تهران تنها ۴۴٪ اما افزایش سطح اراضی شهری گسسته از تهران و در نواحی پیرامونی ۱۳۰٪ می‌باشد. این افزایش متعلق به اراضی شهری روستاهایی است که طی این مدت به سرعت و با افزایش جمعیت به شهر تبدیل می‌شوند. نقاظ پیراشهری فاقد کنترل‌های رشد به سوی زمین‌های زراعی پیرامونی گسترش می‌یابند که نتیجه آن تبدیل این زمین‌ها به استفاده شهری و کاهش بهره‌وری روستایی به نفع افزایش فعالیت‌های شهری را در پی دارد.

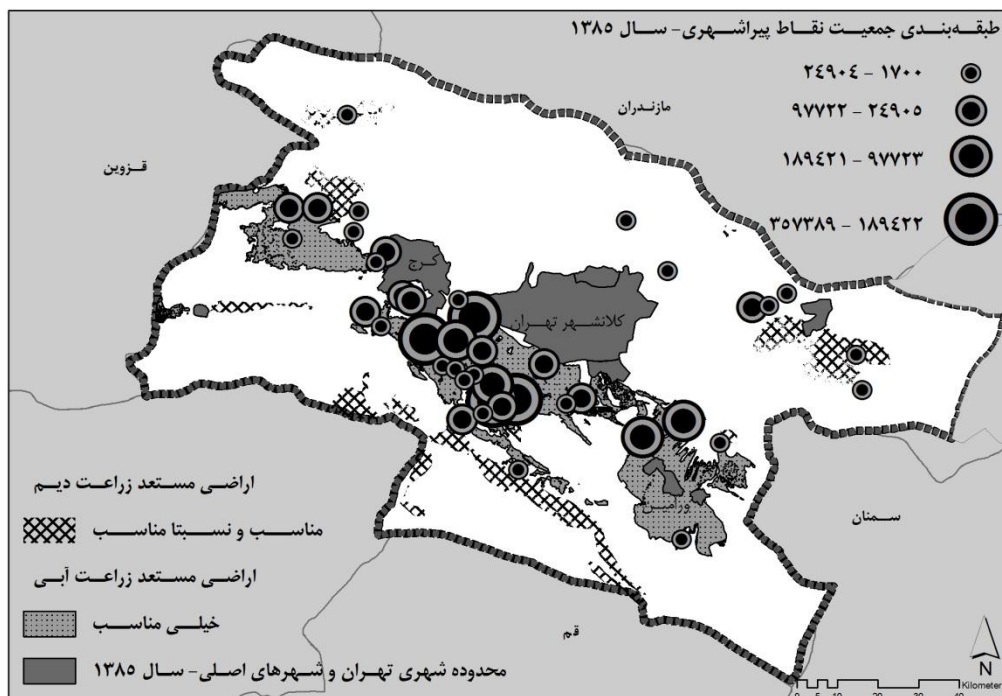
زمین‌ها و منابع طبیعی در هر منطقه مهم‌ترین و با ارزش‌ترین منبع و ثروت آن منطقه به شمار می‌آیند. به ویژه اراضی مستعد زراعی که پتانسیل و قابلیت استفاده‌های شهری را نیز دارا هستند. به همین دلیل شناخت اراضی ارزشمند زراعی در منطقه کلانشهری تهران از این‌رو حایز اهمیت است که در معرض دست‌اندازی‌های پیش‌روی‌های شهری به سوی نواحی روستایی قرار دارد. یکی از روش‌های شناخت اراضی مستعد زراعت آبی و دیم ارزیابی توان اکولوژیکی است. نتایج ارزیابی در منطقه کلانشهری تهران در شکل ۵ نشان می‌دهد که مناسب‌ترین چنین اراضی در دشت‌های جنوبی و جنوب غربی منطقه کلانشهری گسترده است. از سویی دیگر تحلیل روند تحولات پیراشهرنشینی از بعد فضایی در شکل ۴ نشان می‌دهد که هلال جنوبی و غربی کلانشهر تهران، شاهد بیشترین انباشت و رشد قارچ‌گونه نقاط پیراشهری است.

برای پاسخ به پرسش آن‌که آیا پراکنش فضایی سکونتگاه‌های پیراشهری در منطقه کلانشهری تهران برای زمین‌های مستعد زراعی فرصت قلمداد می‌شود یا تهدید، با استفاده از ابزارهای تحلیل نرم‌افزار ArcGIS، نقاط پیراشهری بر روی اراضی مستعد زراعی از نظر ارزیابی توان اکولوژیکی روی هم اندازی می‌شوند. نتایج حاکی از آن است که پراکنش فضایی پرجمعیت‌ترین نقاط پیراشهری در دهه‌های اخیر، در مناسب‌ترین اراضی زراعی آبی رخ می‌دهد. شکل ۶ و ۷ رشد و پراکنش فضایی نقاط پیراشهری را بر اراضی مستعد زراعی در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۸۵ نشان می‌دهد.



شکل ۶: رشد نقاط پیراشهری بر روی زمین‌های مستعد زراعی بر حسب طبقه‌بندی جمعیت در سال ۱۳۵۵

منبع: تحلیل نگارندگان از داده‌های خام جمعیتی مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵ و علیمحمدی، ۱۳۸۸ در GIS



شکل ۷: رشد نقاط پیراشهری بر روی زمین‌های مستعد زراعی بر حسب طبقه‌بندی جمعیت در سال ۱۳۸۵

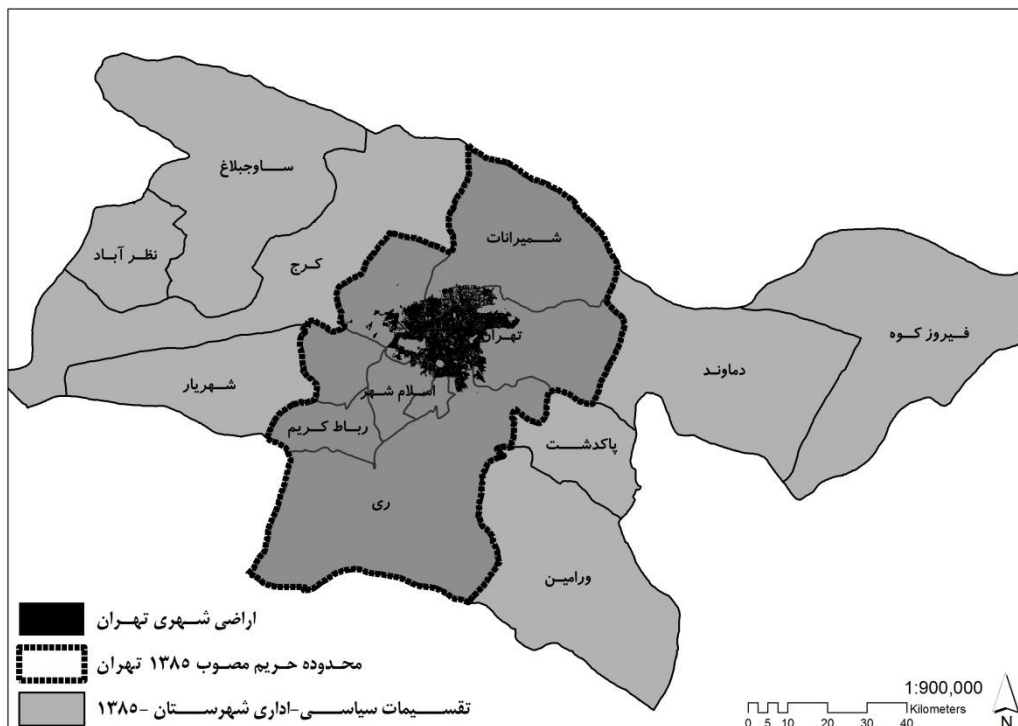
منبع: تحلیل نگارندگان از داده‌های خام جمعیتی مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ و علیمحمدی، ۱۳۸۸ در GIS

بر اساس مقایسه اشکال طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۵ مشاهده می‌شود که بیشترین رشد شهرنشینی در منطقه کلانشهری تهران در نقاط روستایی تحقق می‌یابد که مناسب‌ترین زمین‌ها برای زراعت را در اختیار دارند و تداوم این روند

تهدیدی برای زراعت در منطقه کلانشهری تهران به حساب می‌آید. با تداوم روند رشد پیراشهرنشینی و جمعیت‌پذیری نقاط روستایی و تبدیل آن‌ها به شهر در زمین‌های مستعد زراعی، تعادل اکولوژیکی و زیست‌مندی اقتصادی منطقه با تهدیدهای جدی روبه‌رو است، زیرا که با رشد پیراشهرنشینی ساختار اقتصاد محلی از اقتصاد کشاورزی-مبنا به اقتصاد تولیدی-محور و ساختار اشتغال از کشاورزی به صنعتی تغییر می‌یابد. در نتیجه با افزایش قیمت زمین در بازار سوداگری زمین و مسکن، زمین‌های زراعی روستایی به زمین‌های شهری تغییر کاربری می‌دهند. بدین ترتیب تهران، تا ساوه و گرمسار بسط خواهد یافت و این بزرگسری، غیرقابل کنترل و برنامه‌ریزی خواهد بود. پهنه مرکزی تهران نیز، با یک مرگ تدریجی روبرو می‌شود.

۲-۵- روند در حال گسترش تحولات پیراشهرنشینی در نواحی گسترده‌ای از حریم تهران (۱۳۸۵)

در طرح مجموعه‌شهری تهران نیروهای تاثیرگذار بر توسعه منطقه و رشد نواحی پیرامونی کلانشهر تهران، در سه زمینه برنامه‌ریزی، مدیریت و پراکنش اسکان جمعیت دسته‌بندی می‌شود (غمامی و همکاران، ۱۳۸۶). این طرح، تنها به الگوی پراکنش اسکان جمعیت در منطقه کلانشهری در قالب جابه‌جایی فضایی جمعیت با درآمد بالا به پهنه‌های خوش آب و هوا و رانش اقشار کم‌درآمد به زمین‌های ارزان روستایی بسنده می‌نماید، اما به چگونگی و میزان رشد شهرنشینی در نواحی پیرامونی در این دو الگو اشاره‌ای نمی‌شود. طرح جامع تهران (۱۳۸۵) نیز در راستای پاسخ‌گویی به مسایل در نواحی پیرامونی کلانشهر، محدوده‌ای تحت عنوان "حریم" را برای تهران تعیین می‌نماید. شکل ۸ تقسیمات سیاسی محدوده حریم مصوب تهران را نشان می‌دهد.



شکل ۸: تقسیمات سیاسی محدوده حریم مصوب شهر تهران در سال ۱۳۸۵

منبع: مهندسین مشاور بوم‌سازگان، ۱۳۸۵

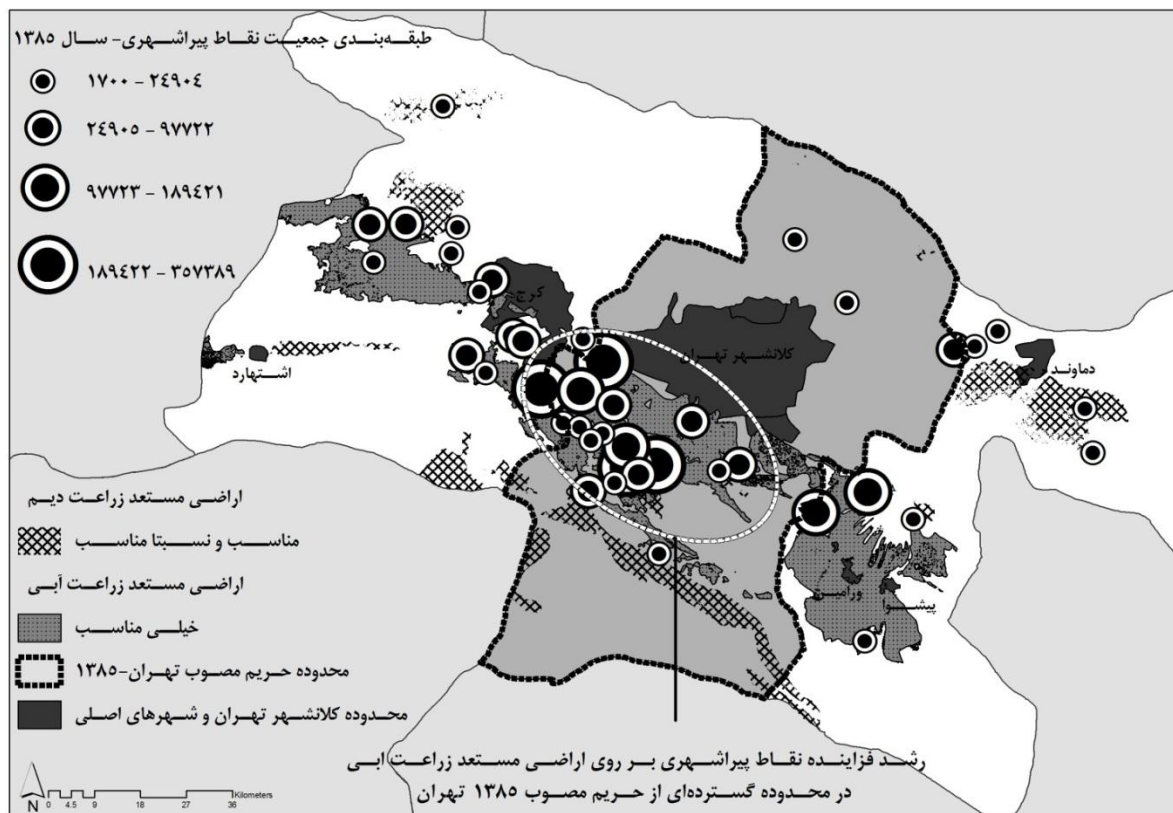
یکی از اهداف تعیین حریم تهران، حل مساله بحرانی حاصل از تقویت نیروها و گرایش‌های مبتنی بر انگیزه‌های اقتصادی-مالی در مقابل نیروها و گرایش‌های تضعیف‌شونده مبنی بر انگیزه‌های حفظ منابع عمومی و توسعه پایدار است (بوم‌سازگان، ۱۳۸۵). یکی از این گرایش‌ها در ابعاد فضایی و جمعیتی، گسترش پیراشهرنشینی و رشد نقاط پیراشهری به ویژه در اراضی مستعد زراعی در منطقه کلانشهری تهران است.

نگرش سنتی به حریم و نواحی پیرامونی کلانشهر، به‌عنوان فضایی منفک و جدا از شهر در طرح جامع تهران تغییر می‌یابد و حریم راهله شهری "*Urban Fringe*" توصیف می‌کند، یعنی "نواحی پیراشهری را به‌عنوان تنفس‌گاه و فیلتر محیط‌زیستی برای سکونتگاه‌های منطقه (تهران، روستاها و شهرهای داخل و خارج حریم)" به‌شمار می‌آورد. حریم را فضای تثبیت و تعریف هویت کالبدی مستقل سکونتگاه‌ها و جلوگیری از چسبیدگی آن‌ها به یکدیگر، فضای تأمین‌کننده فعالیت‌های پشتیبان توسعه پایدار اجتماعی-اقتصادی و محیط‌زیستی و منطقه‌ای با پتانسیل‌های اقتصادی-فضایی معرفی می‌کند (بوم‌سازگان، ۱۳۸۵). با این تغییر نگرش نسبت به حریم، باید بررسی میانگش شهر-روستا و طبیعت نیز با نگاهی نو صورت بگیرد. بنابراین ضرورت توجه به تحلیل روند شهرنشینی روستاهای پیرامونی تهران و تحولات روبه رشد روستا-شهری در نواحی پیراشهری تهران، در مدیریت و برنامه‌ریزی چنین نواحی و حریم کلانشهر حائز اهمیت است.

از مجموعه اهداف کلان طرح جامع تهران در عرصه بهبود و ساماندهی حریم تهران می‌توان به "حفاظت از گستره‌های زیست‌محیطی پیرامون شهر تهران" و "سامان بخشی به اسکان و استقرار بی‌رویه جمعیت و فعالیت" اشاره نمود (بوم‌سازگان، ۱۳۸۵). یافته‌های تحلیل حاکی از روند رشد تبدیل نقاط روستایی به شهری در پی اسکان جمعیت در نواحی پیرامونی کلانشهر تهران و پراکنش فضایی رشد چنین نقاط سکونتی در گستره اراضی مستعد زراعی است. شکل ۹ نشان می‌دهد که در محدوده گسترده‌ای از حریم مصوب تهران تجمع و رشد نقاط پیراشهری بر روی زمین‌های مستعد زراعی بیشینه است. این امر ضرورت تدوین تدابیری برای حفاظت از گستره‌های محیط‌زیستی چون اراضی مستعد زراعی و سامان‌بخشیدن به استقرار جمعیت در نقاط سکونتی روستا-شهری در حریم را الزامی می‌سازد. از این‌رو برای تحقق اهداف طرح جامع پیشنهادات راهبردی در بند بعدی مطرح می‌شود.

۶. کاربرد یافته‌های پژوهش در برنامه‌ریزی و مدیریت حریم تهران (۱۳۸۵)

در طرح جامع تهران، حریم به ۷ پهنه حفاظت، فعالیت کشاورزی، فعالیت صنعتی، خدمات منطقه‌ای، پهنه ویژه، اراضی بایر و شور و پهنه سکونت تقسیم می‌شود که پهنه سکونت شامل تنها سکونت شهری و روستایی است (بوم‌سازگان، ۱۳۸۵). همان‌گونه که نتایج تحلیل تحولات پیراشهرنشینی نشان می‌دهد، ناحیه پیراشهری تهران گستره‌ای از سکونت شهری و روستایی و سکونتی مبتنی بر اختلاط روستا-شهری است و این نوع سکونت در مطالعات حریم تهران نادیده گرفته می‌شود. در منطقه کلانشهری تهران، میزان افزایش سطح اراضی شهری در نقاط پیراشهری با ویژگی سکونتی شهری-روستایی، تقریباً ۳ برابر گسترش کالبدی سطح کلانشهر تهران طی دوره مورد مطالعه است. رشد شهرنشینی در سکونتگاه‌های پیراشهری که سابقه شهرنشینی نداشته، بیشترین است.



شکل ۹: رشد نقاط پیراشهری بر روی زمین‌های مستعد زراعی در حریم مصوب تهران (۱۳۸۵)

منبع: تحلیل نگارندگان از روی هم‌اندازی داده‌های جمعیتی و فضایی در GIS

بنابراین رویکردی مبتنی بر تفکیک نظام شهری-روستایی در نواحی پیراشهری نمی‌تواند پاسخگوی مسایل پیچیده اختلاط فعالیت‌های روستا-شهر با طبیعت در حریم تهران باشد. ارتباطات کاربری زمین و مناسبات بین آن‌ها تغییر می‌یابد و جریان‌هایی از منابع، کالا، خدمات، مردم و حتی آلودگی و مواد زاید بین شهر و نواحی پیراشهری در جریان است. رویکرد نوین به برنامه‌ریزی نواحی پیراشهری، نخست نیازمند شناخت و بررسی ارتباطات و مناسبات شهر-روستا-طبیعت در حریم تهران و سپس تاکید بر پیوستگی و انسجام روستا-شهری به جای تفکیک آن‌ها است. درک پیوستگی ارتباطات روستا-شهری در حریم تهران نیازمند آن است که به این مناسبات خارج از تقسیم‌بندی‌های سیاسی-اداری روستا و شهر و روابط قدرت مدیریت محلی نگریسته شود. در برنامه‌ریزی و مدیریت حریم تهران نمی‌توان مراکز سکونتی مستقر درون حریم و حتی مراکز سکونتی در خارج از مرزهای رسمی حریم را به صورت نقاط یا پهنه‌هایی منفک از یکدیگر در نظر گرفت. حتی تعیین مرز برای حریم کلانشهر تهران و تقسیم به درون و بیرون از حریم بر مبنای واقعیت تحولات پیراشهرنشینی در منطقه کلانشهری به آسانی مسیر نیست. بدین ترتیب رویکرد مبتنی بر پیوستگی روستا-شهری یعنی عدم نگرش به نظام روستایی و شهری به صورت منفک و مجزا در برنامه‌ریزی و مدیریت حریم تهران حایز اهمیت است.

نتایج تحلیل تحولات پیراشهرنشینی نشان می‌دهد که بیشترین میزان رشد جمعیت و بیشترین میزان افزایش سالانه سطح زمین‌های شهری متعلق به روستاهای پیرامونی تهران است که در پی برون‌فکنی جمعیت به سرعت به شهر تبدیل می‌شوند. تجمع و روند رشد روستاهای تبدیل‌شده به شهر (نقاط پیراشهری) در مناسب‌ترین اراضی مستعد زراعی در محدوده گسترده‌ای از حریم تهران، اهمیت شناخت گونه‌های سکونتی پیراشهری و تحولات پیراشهرنشینی را برنامه‌ریزی و مدیریت حریم تهران نشان می‌دهد. برنامه‌ریزی و مدیریت یکپارچه برای توسعه پیراشهرنشینی، در وهله نخست نیازمند شناخت ویژگی‌های این الگوی شهرنشینی در روستاهای پیرامونی تهران است.

بدین منظور راهبردهای پیشنهادی این مقاله در راستاهای دستیابی به اهداف کلان تعیین حریم در طرح جامع یعنی حفاظت از گستره‌های زیست‌محیطی پیرامون شهر تهران و سامان بخشی به اسکان و استقرار بی‌رویه جمعیت و فعالیت و همچنین بکارگیری نگرشی نوین در برنامه‌ریزی و مدیریت حریم تهران است.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

از جمله یافته‌های تحلیلی، گسترش پیراشهرنشینی و رشد فزاینده شهرنشینی در نواحی روستایی پیرامونی و تاثیرگذاری تداوم این روند در از بین رفتن اراضی مستعد زراعی در منطقه است. این تحولات به‌ویژه در بخش‌های گسترده‌ای از حریم کلانشهر تهران در جریان است. در تغییر نگرش طرح جامع تهران نسبت به حریم به عنوان پیوستار فضایی با کلانشهر، شناخت ارتباطات شهر-روستا با طبیعت در نواحی پیراشهری تهران حایز اهمیت است. رویکرد موجود در شناخت این روابط مبتنی بر تفکیک نظام روستا و شهری است. اما نتایج تحلیل تحولات پیراشهرنشینی در منطقه کلانشهری تهران بر اساس شاخص رشد جمعیت و تغییر کاربری اراضی نشان می‌دهد که رشد جمعیت شهرنشین و گسترش مساحت زمین‌های شهری نه در شهرهای اصلی و شهرهای جدید، بلکه در روستاهای تبدیل‌شده به شهر (نقاط پیراشهری) افزایش چشم‌گیری دارد.

بنابراین با رویکرد نوین به برنامه‌ریزی نواحی پیراشهری، مبتنی بر پیوستگی و انسجام ارتباطات روستا-شهری برای برنامه‌ریزی و مدیریت حریم تهران موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. از جمله سیاست‌هایی که برای مدیریت و مهار توسعه شهری در نواحی پیرامون شهرها مطرح می‌شود، سیاست کمربندسبز (Greenbelt) است. به‌کارگیری سیاست کمربند سبز برای برنامه‌ریزی توسعه پیراشهری در منطقه کلانشهری تهران می‌تواند پیشنهادی تاثیرگذار و کاربردی برای مدیریت حریم باشد. کمربندسبز، نوعی سیاست و روش تخصیص کاربری است که در برنامه‌ریزی کاربری اراضی به منظور حفظ زمین‌های بزرگ توسعه‌نیافته، زمین‌های مختص به حیات وحش و اراضی زراعی و نقاط روستایی مستقر در نواحی پیراشهری استفاده می‌شود. بکارگیری سیاست‌های کمربند سبز در برنامه‌ریزی حریم تهران می‌تواند از ادغام روستاهای کوچک همجوار با یکدیگر، تبدیل شدن به شهر و رشد نقاط پیراشهری جلوگیری کنند. به حفاظت از روستاها و روستا-شهرها در مقابل هرگونه دست‌اندازی کمک می‌نماید. از محیط و ویژگی خاص شهرهای تاریخی در حریم همچون ری،

شهریار حفاظت می‌کنند. حتی موجب باززنده‌سازی شهری از طریق تشویق بازیافت اراضی متروکه و دیگر اراضی شهر می‌گردد.

۲. از جریان‌های مهم در سیاست کمربندسبز، توسعه کشاورزی شهری (Urban Agriculture and Farming)، جلوگیری از زوال اراضی زراعی و حفاظت از میراث طبیعی نواحی پیراشهری است. کشاورزی به یکی از عوامل مهم در حفاظت از اراضی واجد ارزش‌های طبیعی و زیست‌محیطی در نواحی پیراشهری تبدیل شده‌است. به‌ویژه کشاورزی ارگانیک و تولید محصولات کشاورزی برای بازارهای شهری، یکی از عوامل مهم حفظ رونق اقتصادی در محدوده کمربندسبز است. با توسعه کشاورزی شهری در نقاط پیراشهری گسترش‌یافته در اراضی مستعد زراعی در حریم تهران، می‌توان موجب ارتقا بهره‌وری روستایی در این مراکز گردید و از تخریب بیشتر عرصه‌های ارزشمند طبیعی در این نواحی جلوگیری کرد. در این زمینه، موضوعات متعددی چون تامین آب، تامین نیروی کار متناسب، چالش قیمت‌گذاری و بازاریابی محصولات و... مطرح است که حل آن‌ها بی‌شک نیازمند برنامه‌ریزی ویژه‌ای خواهد بود.

۳. گسترش فرصت‌های گردشگری و تفریحات (به‌ویژه در فضای باز) یکی از مشخصه‌های مهم نواحی پیراشهری در کمربند سبز کلانشهرها است. در نواحی پیراشهری تهران، پیگیری توسعه گردشگری از یکسو فشارهای وارد بر کلانشهر تهران را در زمینه تفریح و فراغت شهروندان می‌کاهد و از سوی دیگر رونق اقتصادی را به سکونتگاه‌های پیراشهری برمی‌گرداند. گردشگری کشاورزی، گردشگری روستایی و گردشگری طبیعت‌گردی، از گونه‌های مهم گردشگری هستند که امروزه به طور خاص در محدوده‌های حفاظت پیراشهری پیگیری می‌شوند. از این رو با توجه به استعدادهایی که در زمینه گردشگری در سکونتگاه‌های پیراشهری تهران وجود دارد، با استفاده از فرصت‌های گردشگری می‌توان تهدید رشد سکونتگاه‌های پیراشهری در اراضی مستعد زراعی در حریم تهران را به فرصتی برای رونق اقتصادی در منطقه تبدیل کرد.

۴. تدوین استراتژی‌های فضایی منطقه‌ای (Regional Spatial Strategy) با هدف پیوستگی روستا-شهری، می‌تواند پلی بین شکاف سیاست‌های توسعه روستایی (طرح‌های هادی روستایی) و توسعه شهری (طرح‌های جامع شهری) مجزا در حریم تهران باشد. با ایجاد تعادل بین توسعه‌های روستایی و شهری و نیز تعادل بین نیازهای اقتصادی-اجتماعی و منابع طبیعی بین این مراکز، می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های تقویت توسعه پایدار در دستور کار مدیریت حریم تهران قرار گیرد.

۵. تشکیل نهاد مدیریت حریم تهران که می‌تواند نهادی عمومی و غیردولتی به ریاست شهرداری تهران باشد. به صورت یکپارچه وضعیت اراضی نواحی پیراشهری، شامل کاربری‌های شهری و روستایی و پوشش زمین را نظارت و کنترل کند و ضامن تحقق اصول حفاظت و ساماندهی و ارتقاء کیفیت در گستره حریم باشد. این نهاد مدیریت منطقه‌ای با استقرار حکمروایی منسجم و چند قلمرویی می‌تواند نهادهای مدیریت محلی را هماهنگ نماید.

۶. برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه فضایی یکپارچه برای شهر، روستا و پیراشهر در حریم تهران، نیازمند در نظر گرفتن توسعه فضایی این عناصر با یکدیگر است که در عین بهره‌مندی از آزادی‌های محلی هر یک با سطوح بالای مدیریتی در سطح منطقه نیز هماهنگ باشد. شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و شوراهای شهر، روستا و پیراشهر به عنوان نهادهای محلی در منطقه به صورت مجزا و منفرد فاقد توانایی و ظرفیت لازم برای اداره حریم هستند. از این رو می‌تواند با سایر نهادهای مدیریت دولتی در سطح بخش‌ها زیر نظر نهاد مدیریت حریم تهران هماهنگ با یکدیگر عمل نمایند و به عنوان زیرمجموعه‌ای از این نهاد در عرصه مدیریت و برنامه‌ریزی منطقه فعالیت کنند.

۷. برای مراکز سکونتی پیراشهری، لزوماً ایجاد سازمان و یا سطحی جدید در حکومت محلی ضروری نیست بلکه می‌توان از سازوکارهای نوآورانه، داوطلبانه و غیررسمی نیز بهره برد. در حفاظت از اراضی زراعی و محیط طبیعی در حریم در مقابل پراکنده‌روی شهری و دست‌اندازی بدان، جدا از نیاز به قوانین، مقررات و سازوکارهای رسمی نظارت و کنترل، راه‌حل‌های نوآورانه و ابتکاری نقشی کلیدی دارند. سازمان‌های مردم نهاد، ائتلاف‌های سازمانی، شوراهای رسمی و داوطلبانه نقشی مهمی در نظارت و حمایت از پیشبرد برنامه‌های نهادهای مسئول در نواحی پیراشهری ایفا می‌کنند.

بدین ترتیب این مقاله در راستای برنامه‌ریزی و مدیریت حریم تهران پیشنهاد می‌دهد که:

ابتدا سیاست مدیریتی یکپارچه‌ای اتخاذ گردد که چنین مدیریت توسعه فضایی یکپارچه برای شهر، روستا و پیراشهر در حریم تهران، نیازمند در نظر گرفتن توسعه فضایی این عناصر با یکدیگر به صورت واحد و یکپارچه است.

نهاد مدیریت حریم تهران با ریاست شهرداری نیز می‌تواند اجرای سیاست‌های یکپارچه منطقه‌ای را برعهده بگیرد و به صورت یکپارچه وضعیت اراضی نواحی پیراشهری، شامل کاربری‌های شهری و روستایی و پوشش زمین را نظارت و کنترل کند و ضامن تحقق اصول حفاظت و ساماندهی و ارتقاء کیفیت در گستره حریم باشد. استراتژی‌های فضایی منطقه‌ای با هدف پیوستگی روستا-شهری، می‌تواند با ایجاد تعادل بین توسعه‌های روستایی و شهری و نیز تعادل بین نیازهای اقتصادی-اجتماعی و منابع طبیعی بین این مراکز، به عنوان یکی از روش‌های تقویت توسعه پایدار در دستور کار مدیریت حریم تهران قرار گیرد.

منابع

- بوم سازگان، مهندسین مشاور (۱۳۸۵)، طرح "حریم شهر تهران (از گزارش‌های طرح جامع تهران، طرح راهبردی هدایت و کنترل تحولات کالبدی)"، اسناد قسمت سوم: تدقیق و تکمیل طرح توسعه تهران
- توفیق، فیروز (۱۳۸۴)، آمایش سرزمین: تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- حاجی‌پور، خلیل (۱۳۸۷)، "تبیین فرایند شکل‌گیری و دگرگونی فضایی منطقه کلانشهری تهران"، رساله دکتری در رشته شهرسازی، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده شهرسازی

حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، "مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی"، چاپ هفدهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

حبیبی، محسن و هورکاد، برنارد (۱۳۸۴)، اطلس کلانشهر تهران، چاپ اول، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری

دانشپور، زهره (۱۳۸۵)، تحلیل نابرابری فضایی در محیط‌های پیراشهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۸
داوودپور، زهره (۱۳۸۸)، تعادل بخشی شهر تهران، چاپ اول، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری، دفتر معماری و طراحی شهری

زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۸)، طرح تهیه و تدوین برنامه آمایش استان تهران، تحلیل روند تحولات جمعیت، معاونت برنامه‌ریزی استانداری تهران

قرخلو، مهدی و زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۸۸)، شناخت الگوی رشد کالبدی- فضایی شهر با استفاده از مدل‌های کمی، مطالعه موردی: شهر تهران، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۰، شماره پیاپی ۳۴

مرکز آمار ایران (۱۳۵۵)، جمعیت برحسب سن و جنس، نشریه سرشماری نفوس و مسکن استان تهران
مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، جمعیت برحسب سن و جنس، نشریه سرشماری نفوس و مسکن استان تهران
مهدیزاده، جواد (۱۳۸۲)، "نظری به روند تاریخی توسعه کالبدی - فضایی شهر تهران (بخش سوم)"، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره چهارم، صص ۳۷-۴۳

مهندسین مشاور آمایش و توسعه البرز (۱۳۸۸)، طرح تهیه و تدوین برنامه آمایش استان تهران، تحلیل اجتماعی و فرهنگی، نظام روستانشینی و عشایری در استان، معاونت برنامه‌ریزی استانداری تهران

علیمحمدی، عباس (۱۳۸۸)، "طرح تهیه و تدوین برنامه آمایش استان تهران، مطالعات منابع طبیعی و محیط زیست، تحلیل پوشش و کاربری اراضی"، معاونت برنامه‌ریزی استانداری تهران

غمامی، مجید، خاتم، اعظم و اطهاری، کمال (۱۳۸۶)، مدیریت یکپارچه و حل مساله اسکان غیر رسمی، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران

Allen, A, (2003) "Environmental planning and management of the peri-urban interface: perspectives on an emerging field", Environment and Urbanization, Vol 15 No 1

Allen, Adrian, L. A. da Silva, Nilvo and Corubolo, Enrico, (1999), "Environmental Problems Oportunities of The Peri- Urban Interface and Their Impact Upon The Poor, Strategic Environmental Planning and Management for the Peri-urban Interface", Research Project, Development Planning Unit (DPU) University College London

Buxton, M, Alvarez, A, Butt, A, Farrell, S, Danny O, (2008), "Planning Sustainable Futures for Melbourne's Peri-urban Region is a collaborative research project by researchers from the School of Global Studies Social Science and Planning", RMIT University, and consultants

Fazal, Sh, (2003), "Land Use Dynamics in a Developing Economy: Regional Perspectives from India", Springer

Madanipour, Ali (2011), Sustainable Development, Urban Form, and Megacity Governance and Planning in Tehran, Sorensen, A and Okata, J (Eds.) Megacities: urban form, governance, and sustainability", Springer Press. PP:67-92

- McGee, T. G. (1999), "The emergence of Desakota regions in Asia: expanding a hypothesis ." In: N. Ginsburg, B. Koppel & T. G. McGee, eds. , "The extended metropolis, settlement transition in Asia", University of Hawaii Press, pp. 3-26
- Pierr, A, Ravetz, J, Tosics, I. (2011). PERI-URBANISATION IN EUROPE Towards European Policies to Sustain Urban-Rural Futures, Published by Forest & Landscape University of Copenhagen
- Narain V, Nischal S, (2007), "The periurban interface in Shahpur Khurd and Karnera India". Environment and Urbanization, Vol 19 No 1, pp:261-273
- Simon, D, McGregor, D, & Nsiah-Gyabaah, K, (2004), "The changing urban-rural interface of African cities: definitional issues and an application to Kumasi", Environment and Urbanization, 16 (2), 235-248
- Webster, D (2002); "On the Edge: Shaping the Future of Peri-urban East Asia", Asia/Pacific Research Center, Stanford University
- Zebardast, E (2006) ," Marginalization of the urban poor and the expansion of the spontaneous settlements on the Tehran metropolitan fringe", Cities, Vol. 23, No. 6, p. 439-454